

اعجاز پیامبر

بخاطر

هوس این و آن نیست

۷ - ویقول الذین کفروا لولا نزل علیه آیه من ربه انما انت منذر لکل قوم هاد .

اگراد کافر میگویند که چرا برای او از طرف پروردگار (شاهای) (معجزه‌ای) نازل نمی‌گردد. (آنان بدانند) که تو بیم‌دهنده‌ای و برای هر گروهی راهنمائی وجود دارد .

۱- پیامبر اسلام در قرآن عجیب برای پیامبران گذشته معجزاتی مانند عصای موسی و بند بیضاء و شفا دادن بیماران و... ثابت نموده و صریحاً اعتراف کرده که آنان دارای بلك چنین معجزاتی بوده‌اند. تا گفته پیدا است در این موقع ، طبیعاً مردم از او معجزه‌ای مانند معجزات پیامبران گذشته در خواست می نمودند او نیز بحکم عقل باید معجزه‌ای مانند معجزات پیامبران گذشته ، بیاورد ، تا وسیله هدایت مردم را از هر طریق که امکان دارد فراهم سازد .

هر گاه او در این صورت ، سخن از معجزات ناتوانی

در حالت پیامبر اسلام ، بیان پیامبران دیگر بایک سلسله معجزه‌ها و اشیاء نبوت همراه بوده است با اینکه خداوند - بزرگترین معجزه معاینه قرآن مجید را در اختیار او نهاده بود ، و هم اکنون سندی در جسته نبوت او ، به صورت معجزه جاویدمان باقی مانده ؛ و بسیرتال معجزات او ، معجزات حضرت موسی و حضرت مسیح (ع) برای اثبات نبوت ، در اختیار داشت .

داشتن نشان‌ها و نشانه‌ها این مطلب را که (پیامبر اسلام علاوه بر قرآن دارای معجزات دیگری هم بوده است) با دلایل ذمیر اثبات کرده‌اند :

به زبان بی‌اورد و بگوید که: من، اگرچه مانند آنان پیامبرم ولی کاری را که آنان انجام می‌دادند، نمی‌توانم انجام دهم. یک چنین اظهاری، بی‌شک، موجب دوری دوری گردانی مردم می‌گرد و چنین کاری برخداوند حکیم، که خواهان هدایت مردم است محالست و هرگز خداوند به پیامبر خود دستور نمی‌دهد که سجنی بگوید که موجب تفرق مردم گردد. خصوصاً که پیامبر اسلام را افضل پیامبران و خاتم آنان معرفی کند.

۲- ابروخی از آیات قرآن استناد می‌شود که رسول اکرم علاوه بر قرآن، دارای معجزاتی بوده است (۱)

۳- روایات متواتری که محدثان اسلامی در باره معجزه پیامبر اسلام گرد آورده‌اند بزرگترین سند بوجود این نوع استناد و دلالت می‌باشد (۱) * * *

به توجه باین مطالب باید دید مقصود از آیه که می‌فرماید: «کفران به پیامبر اعتراض می‌کنند که چرا براو آیه‌ای نازل نمی‌گردد چیست؟». آیا براساس این آیه دلالت می‌کند که پیامبر دارای معجزه‌ای جز قرآن نبوده است یا اینکه آیه ناظر به این جهت نیست بلکه هدفی دارد که در ذیل بیان می‌شود:

۱- مشروح این بحث در کتابهای عقائد و تفسیر مطالعه فرمائید.

۲- جامه‌ترین کتابی که از طرف محدثان شیعه در این باره نوشته شده است کتاب «مدینه - المعاجزه سیدهاشم بحرینی است.

اصولاً باید توجه نمود که هدف از اعجاز چیست، و آیا هدف از معجزه، جز هدایت مردم چیز دیگری است و اگر چنین نتیجه‌ای بر معجزه مترتب نگردد باز، بر پیامبر لازم است که به درخواست آنان پاسخ بگوید؛

با توجه به بررسی زیر ثابت خواهد شد که هدف آیه نفی صدور معجزه از پیامبر نیست بلکه هدف، نفی آن نوع از حارق‌هاست که واجب شرائط و وسیله هدایت نباشند.

توضیح اینکه هدف از درخواست اعجاز این است که در هر دو آن، به صدق گفتار مدعی نبوت پی برده شود. بنابراین هر گاه در میان درخواست کنندگان معجزه، گروه حقیقت جو و بی‌فروشی باشند که با دیدن اعجاز به سوی او گرایش پیدا کرده به او ایمان بیاورند، در این صورت موافقت با درخواست معجزه بی‌اشکال خواهد بود ولی اگر درخواست کنندگان نوده‌های اجوج و بازیگر باشند مصداق جز یک نوع تفریح و سرگرمی میان سرگرمی‌ها و مراضان نداشته باشند؛ در این صورت ساختن معجزه برای آنان موافقت نماید.

قرآن در خود این سوره بشود آشکار تصریح می‌کند که درخواست کننده نشانه (معجزه) را می‌خواهد و هر گاه پیامبر به‌رگز در کتب اعجاز هم دست برند باز آنان ایمان نخواهند آورد و لاجتاجت عناد خود را ادامه خواهند داد آنجا که می‌فرماید: ولو ان قرآنا نزلنا سیرت به الجبال لوقلت ان الارض لو کلم بالاموات (سوره نهد آیه ۳۱)

هر گاه قرآن کوهها را از بیخ بر کند، و زمین را قطعه قطعه کند و مردگان را زنده نماید (سازانان ایمان نخواهند آورد).

این آیه حاکی است که گروه معترض در صدد هدایت و کشف حقیقت نبودند و اگر بالاترین و عالیترین معجزه را هم با چشم خود می‌دیدند باز ایمان نمی‌آوردند.

آیا باین وضع صحیح است پیامبر وقت و اراده خود را در اختیار چنین مردمی هدایت قرار دهد. گذشته از این باید توجه نمود که به مضمون آیه و ما کان لرسول ان یأتی بآیه الا باذن الله (سوره نهد آیه ۲۸) هیچ پیامبری نمی‌تواند معجزه‌ای بی‌اورد جز با این مشاوند و معجزات پیامبران در اختیار آنان نیست؛ که هر موقع بخواهند پیامبر مردم به آنان پیشنهاد نمایند فوراً دست به امتناع می‌زنند بلکه آنها امتنع و اراده خدا پیروی می‌کنند و هرگز درخواست مردم، تکلیفی برای آنان ایجاد نمی‌کند.

بنابراین جیاه اما است منذر و لکل قوم عاده (توبه) هدایتی و برای هر گروهی راهنمایی وجود دارد؛ ناظر به همین مطلب است و آن اینکه توای پیامبر بیم‌دهنده و راهنمایی بیش نیستی و هرگز در اجابت درخواست مردم اختیاری از خود ندارید و تا اذن الهی نباشد هیچ نوع کاری صورت نمی‌گیرد و اینکه هیچ وقت در هیچ شرائطی تو صاحب معجزه نیستی.

روی این مبانی روشن گردید، که آیه ناظر به نفی اعجاز (بمعنی مطلق نیست، بلکه آن نوع معجزات را نفی می‌کند که درخواست کنندگان،

هدایی جز سرگرمی و تفریح و ادامه لجاجت نداشته باشند و با اینکه پیامبر در انجام معجزه مختار و آزاد باشد و بدون مشیت الهی دست بکار برند، و هر چه مردم بخواهند فوراً اقدام نماید ناگفته پیدا است نفی اعجاز در چنین زمینه‌های مخصوص دلیل بر نفی مطلق معجزه نیست.

* * *

مفسران در تفسیر جمله «انما انت منذر و لکل قوم هاد» نظرات مختلفی دارند که ما دو نظر مهم را مذکور می‌شویم.

گروهی جمله یادشده را چنین تفسیر می‌کنند: ای پیامبر! تو بیم‌دهنده و رهبر تمام اقوام و ملل هستی و شکل اصلی جمله چنین است «انما انت منذر و هاد لکل قوم».

بنابراین نظر، این جمله، از دلایل جهانی بودن رسالت رسول اکرم؛ و خاتم بودن او است. و ظاهراً آیه این است که تا روز رستاخیز پیامبر منذر و هادی بشر و امام جهان است.

نظر دیگر اینکه مقصود از جمله یادشده اینست که تو ای پیامبر بیم‌دهنده ای و برای هر قوم راهنمایی هست و از آنجا که و انذار و هدایت، غالباً از نشوون پیامبران می‌باشد در این صورت منذر و هاد عاده کتابه از پیامبر است و بازگشت آیه به این است که تو پیامبری و برای هر قومی در هر دوری پیامبر هست و تو مانند پیشینیان از پیامبران در اعجاز این کارها باید به اذن خداوند جهان انجام گیرد. بنابراین نظر، جمله یادشده، حاکی از آن است که در تمام ادوار در میان مردم هادی و رهبر بوده، هیچ دوری خالی از رهبر نبوده است.

و اگر بگوئیم که مقصود از هادی، نبی و پیامبر است در این صورت گواه بوجود پیامبر در میان اقوام مختلف می‌باشد.